

بررسی عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی و راه های پیشگیری از آن

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۶)

(تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۷)

عبدالله علامه ای فر^۱
سرگرد علی نیازی^۲

چکیده

به طور مشخص می توان عوامل عمده زیر را به عنوان بسترها و زمینه های پیدایش انحرافات اجتماعی و یا هر رفتار نابهنجار نام برد؛ عواملی که نقش بسیار تعیین کننده ای در پیدایی هر رفتاری، اعم از بهنجار و یا نابهنجار، ایفا می کنند. در عین حال، مهمترین عامل یعنی؛ خود فرد نیز نقشی تعیین کننده ای در این زمینه بازی می کند. مطالعه انحرافات و کجروی های اجتماعی و به اصطلاح، آسیب شناسی اجتماعی (Social Pathology) عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی نظمی های اجتماعی. در واقع، آسیب شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه یابی بی نظمی ها، ناهنجاری ها و آسیب های نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و... همراه با علل و شیوه های پیشگیری و درمان آن ها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی است. اگر در جامعه ای هنجارها مراعات نشود، کجروی پدید می آید و رفتارها آسیب می بیند. یعنی؛ آسیب زمانی پدید می آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پای بندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است.

واژه های کلیدی: آسیب های اجتماعی، کجروی ها، ناهنجاری های اجتماعی، انحرافات اجتماعی

^۱ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات یاسوج، (نویسنده مسئول).

E-mail: alamei abdollah92 @ gmail.com

^۲ سرگرد علی نیازی، کارشناس فقه و مبانی حقوق اسلامی.

مقدمه

اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کجروی اجتماعی تلقی می‌شود. سازمان یا هر جامعه‌ای از اعضای خود انتظار دارد که از ارزش‌ها و هنجارهای خود تبعیت کنند. اما طبیعی است که همواره افرادی در جامعه یافت می‌شوند که از پاره‌ای از این هنجارها و ارزش‌ها تبعیت نمی‌کنند. افرادی که همساز و هماهنگ با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و یا سازمانی باشند، «همنوا» و یا «سازگار» و اشخاصی که برخلاف هنجارهای اجتماعی رفتار کنند و بدان‌ها پای‌بند نباشند، افرادی «ناهمنوا» و «ناسازگار» هستند. در واقع، کسانی که رفتار انحرافی و نابهنجاری آنان دائمی باشد و زودگذر و گذرا نباشد، کجرو یا منحرف نامیده می‌شوند. این گونه رفتارها را انحراف اجتماعی یا (Social Devianced) و یا کجروی اجتماعی گویند.

بنابراین، معیار دیگر تشخیص رفتارهای نابهنجار و بهنجار در جامعه دینی، تطبیق و سازگاری و یا عدم تطبیق و ناسازگاری با آموزه‌ها و هنجارهای دینی است. اگر عمل و رفتاری با هنجارها و آموزه‌های دینی سازگار باشد، عملی بهنجار و اگر ناسازگار باشد، عملی نابهنجار تلقی می‌شود. (ستوده، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۵).

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی است که در ضمن توصیف مسائل مربوط به موضوع، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. روش اصلی اطلاعات کتب، مقالات و سایت‌های اینترنتی می‌باشد.

بیان مسأله

مسأله مربوط به آسیب‌های اجتماعی از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده‌است. هم‌زمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواست‌ها و نیازهای زندگی، موجب گسترش شدید و دامنه‌دار فساد، عصیان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی و انحراف جنسی و دیگر آسیب‌ها شده‌است.

انسان موجودی اجتماعی است که باید در قالب الگوهای فرهنگی و اجتماعی زندگی کند. اینکه تا چه حد رفتار فرد با هنجارها، سنت‌ها و انتظارات جامعه و یا نهاد و

سازمان خاصی مغایرت دارد و جامعه چگونه درباره آن قضاوت می‌کند، معیار دیگری برای تشخیص رفتار نابهنجار و بهنجار است. یعنی رفتاری که مورد قبول افراد نباشد. مثلا با پوشیدن لباس خاصی از سوی افراد جامعه، با عکس‌العمل آنان مواجه شویم، این‌گونه رفتارها نابهنجار تلقی می‌شود. البته، این معیار هم در همه جوامع امری نسبی است (فولادی، ۱۳۸۲: ۱۶۷)

به طور کلی، هر رفتاری که از آدمی سر می‌زند، متأثر از مجموعه‌ای از عوامل است که به طور معمول در طول زندگی سر راه او قرار دارد و او را به انجام عملی خاص وادار می‌کند.

عوامل به وجودآورنده انحراف و کجروی در جوامع مختلف یکسان نیست و مناطق از نظر نوع جرم، شدت و ضعف، تعداد و نیز از نظر عوامل متفاوتند. این تفاوت‌ها را می‌توان در شهرها، روستاها و حتی در مناطق مختلف و محله‌های یک شهر مشاهده کرد. در هر جامعه و محیطی، سلسله عواملی همچون شرایط جغرافیایی، اقلیمی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، شغلی و طرز فکر و نگرش خاصی حاکم است که هر یک از این‌ها، در حسن رفتار و یا بدرفتاری افراد مؤثر است.

شهرنشینی لجام گسیخته، گسترش حاشیه‌نشینی و فقر، اتلاف منابع و انرژی را به دنبال دارد. حاشیه‌نشینی در شهرها، با جرم رابطه مستقیم دارد. تنوع و تجمل، اختلاف فاحش طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، تورّم و گرانی هزینه‌های زندگی، موجب می‌شود تا افراد غیرکارآمد که درآمدشان زندگی ایشان را کفاف نمی‌دهد، برای تأمین نیازهای خود، دست به هر کاری هر چند غیر قانونی بزنند. از دیگر عوامل محیطی جرم، می‌توان فقر، بیکاری، تورّم و شرایط بد اقتصادی نام برد که بر همه آحاد جامعه، اقشار، گروه‌ها و نهادها تأثیر گذاشته و آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سخاوت ، ۱۳۷۶).

تعریف و هدف‌های آسیب‌شناسی

در پزشکی به مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌های ارگانیسم (موجود زنده) آسیب‌شناسی می‌گویند. در مشابهت کالبد انسانی با کالبد جامعه (نظریه اندام وارگی) می‌توان آسیب‌شناسی را مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی تعریف کرد.

به گزارش هفت روز، در واقع آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی نظیر بیکاری، فقر، اعتیاد، خودکشی، روسپیگری، رشوه‌خواری،

ولگردی، زورگیری، گدایی و ... همراه با علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آنها و نیز شرایط بیمارگونه اجتماعی است.

هدف‌ها و مقاصد آسیب‌شناسی اجتماعی

۱. مطالعه و شناخت آسیب‌های اجتماعی و علل و انگیزه‌های پیدایی آنها و نیز بررسی شخصیت کژرفتاران و ویژگی‌های جسمانی، روانی، فرهنگی و اجتماعی آنان. شناخت درست دردها و آسیب‌ها، نخسین شرط چاره‌جویی و بیش از نیمی از درمان است. درد تشخیص ناداده را درمان نتوان کرد؛ زیرا هرگونه ساختن بدون شناختن، تیر در تاریکی رها کردن است؛

۲. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به منظور بهسازی محیط زندگی و جمعی خانوادگی. از آنجا که پیشگیری همواره ساده‌تر، عملی‌تر و کم‌هزینه‌تر از درمان است، دارای اهمیت بسیار است؛

۳. درمان آسیب‌دیدگان اجتماعی یا به کارگیری روش‌های علمی و استفاده از شیوه‌های مناسب برای قطع ریشه‌ها و انگیزه‌های آنان؛

۴. تداوم درمان برای پیشگیری و جلوگیری از بازگشت مجدد کژرفتاری و بررسی شیوه‌های بازپذیری اجتماعی.

در عصر ما پیشگیری مهم‌تر از درمان است. بسیاری از آسیب‌شناسان اجتماعی برآنند که برای مبارزه با کژرفتاری‌ها، باید زمینه اجتماعی آنها را از میان برداشت.

اهمیت آسیب‌شناسی اجتماعی

هر جامعه‌ای متناسب با شرایط خود، فرهنگ، رشد و انحطاط خود با انواعی از انحرافات و مشکلات روبروست که تأثیرات مخربی روی فرآیند ترقی آن جامعه دارد. شناخت چنین عواملی می‌تواند مسیر حرکت جامعه را به سوی ترقی و تعامل هموار سازد، به طوری که علاوه بر درک عمل آنها و جلوگیری از تداوم آن عمل، با ارائه راه‌حلهایی به سلامت جامعه کمک نماید. به عنوان مثال؛ مسأله اعتیاد را در نظر بگیریم. این مسأله هم به عنوان یک مشکل فردی و هم یک معضل اجتماعی مطرح است. روشن است در سطح اجتماع، منجر به از بین رفتن نیروها و انرژی بارآور جامعه می‌شود. شناسایی علل اساسی و کنترل آنها می‌تواند بسیاری از نیروهای از دست‌رفته جامعه را تجدید و در مسیر کار سالم جامعه هدایت کند. (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۱۷۰).

آسیب‌های اجتماعی از چند جنبه قابل بررسی هستند

۱- از زاویه انسان، که هر انسان با هر دین و آئین، اعتقاد و فکر، مذهب و گرایش، مسلک و ارتباط با جناح یا حزب خاصی، یا با ترحم یا با هدایت و یا با همراهی اعتقاد دارند که به گروه‌های آسیب‌پذیر یاری نمایند. مثلاً هر انسانی دوست دارد به پیر مرد یا پیرزنی کمک کند و هر انسانی دوست دارد به نابینایی کمک کند و...

۲- از زاویه اجتماعی، اگر به این آسیب‌های اجتماعی به موقع رسیدگی نشود، افزایش جرم و جنایت را در پی دارد که مخرب انضباط اجتماعی است

۳- از جنبه سیاسی، که اگر توجه نشود کشور را به دامن بیگانگان سوق می‌دهد و به جای فرهنگ خودی فرهنگ بیگانه در کشور پیاده می‌شود و به اعتقادات دینی و مذهبی جامعه لطمه وارد می‌کند، وجود آسیب‌های اجتماعی، بزرگنمایی و تبلیغات دشمنان کشور را در پی دارد، ضمن آنکه وجود آسیب‌های اجتماعی در کشور اسلامی عامل تبلیغ منفی بر ضد اسلام است. بنابراین لازم است که آسیب‌های اجتماعی ریشه-یابی شوند و از کلی‌گویی در جامعه پرهیز گردد و با ارائه راهکارها مدرن به جزئیات آسیب‌های اجتماعی توجه شود.

در برخورد با آسیب‌های اجتماعی، تقلید کورکورانه از بیگانگان جایز نیست، به دلیل اینکه آسیب‌های اجتماعی ارتباط کاملی با سنت‌های هر جامعه دارد و الگوبرداری از جوامع دیگر صلاح نیست.

سیاست‌های اجتماعی هر جامعه‌ای، روش‌های مختلفی را در برخورد با آسیب‌های اجتماعی پیشنهاد می‌کند. شیوه برخورد با این مسائل هم‌چنان که پیشتر گفته شد، ارتباط مستقیمی با این سیاست‌ها دارد. این سیاست‌ها را هم نهادهایی که در تمامی جوامع وجود دارد، تعیین می‌کند. درباره راهکارهای اصلاح و بهبود آسیب‌های اجتماعی هم نظرگاه‌های مختلفی وجود دارد. عده‌ای روش انکار و پرده‌پوشی را تجویز می‌کنند و عده‌ای دیگر، به روش‌های پلیسی و سرکوب اعتقاد دارند. جوامعی هم وجود دارند که به این مسائل نگرشی علمی و منطقی دارند و سعی می‌کنند با قبول وجود این آسیب‌ها، علت آنها را با استفاده از روش‌های علمی بشناسند و برای حذف یا به حداقل رساندن آنها از روش‌های منطقی سود ببرند. این جوامع، آنهایی هستند که در آنها انباشت علمی صورت گرفته و در اثر ارتباط با فرهنگ‌های مختلف، به سطحی از آگاهی رسیده‌اند که به حق آزادی و برابری انسان‌ها و حق برخورداری تمامی انسان‌ها از حقوق مادی و معنوی اعتقاد داشته‌باشند.

آنچه درباره آسیب‌های اجتماعی در ایران می‌توان گفت این است که به وضعیت خاص سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه، آسیب‌های اجتماعی علاوه بر این که مسأله-ای اجتماعی شمرده می‌شوند، بار ارزشی نیز دارند. یعنی؛ یک آسیب که در یک جامعه با سیاست لیبرال، فقط یک جرم محسوب می‌شود، در ایران علاوه بر جرم بودن، گناه به شمار می‌رود. این نگرش خاص به مسأله اجتماعی باعث می‌شود که مجرم یا منحرف، بیشتر از آن که جامعه و روابط حاکم بر آن را عامل انحراف خود بداند، خودش را گناه-کار می‌بیند و این می‌تواند یکی دیگر از آسیب‌های فردی و اجتماعی باشد.

در جوامع مدرن، امروز تمایل بر این است که این سیاست‌ها هرچه بیشتر به وسیله نهاد آموزش و پرورش و نهاد خانواده به جامعه تزریق شده و نهاد سیاست حداقل دخالت را در این امور دارد. اما در جوامعی که در آنها نهاد سیاست قدرتمندتر است، این سیاست‌ها به وسیله این نهاد وضع و به جامعه دیکته می‌شود. تجربه نشان داده‌است که جوامع نوع اول، در مهار بحران‌های اجتماعی موفق‌تر عمل کرده‌اند. چون مردم راهکارهای مقابله با آسیب‌های اجتماعی را وضع و از آنها حمایت می‌کنند اما در جوامعی که سیاست‌های اجتماعی را نهاد سیاست وضع می‌کند، لاجرم باید ضمانت‌های اجرایی آنها را هم تعیین کند که در این حال، استفاده از نیروهای حافظ قوانین و حامی نظام سیاسی مثل پلیس ضرورت پیدا می‌کند.

حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی نیز به سیاست‌های اجتماعی مربوط است. در این مورد نیز، وقتی حمایت از آسیب‌دیدگان به طور کامل در اختیار نهاد سیاست قرار می‌گیرد، این نهاد از دیدگاه منافع خود به آنها نگاه می‌کند اما وقتی مردم یک جامعه به حمایت از این آسیب‌دیدگان می‌پردازند، بسیار عمیق‌تر و کامل‌تر عمل می‌کنند. چون مردم در متن این آسیب‌ها قرار دارند، آنها را خوب می‌شناسند و برای حمایت از افرادی که دچار بحران هستند، انگیزه‌های قدرتمندی دارند.

یکی از راهکارهای حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی، سازمان‌ها و تشکل‌های غیردولتی است. این سازمان‌ها که در تمامی جوامع ریشه دارند، در عصر کنونی کارکردهای مختلف و مؤثری پیدا کرده‌اند و نقش مهمی در حیات جوامع ایفا می‌کنند. سازمان‌های غیردولتی با تأثیرگذاری در وضع و اجرای سیاست‌های اجتماعی، در نقش-های مختلفی مثل مشاور دولت، منتقد دولت و گاه حتی به عنوان بازوی اجرایی سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها فعالیت دارند. این سازمان‌ها با ویژگی‌های منحصر به فردی که دارند، امروزه به نماد حکومت مردم تبدیل شده‌اند و به نظر می‌رسد، در هر

جامعه‌ای که این سازمان‌ها فعال‌تر و گسترده‌تر عمل می‌کنند، آرمان حکومت مردم بر مردم دست‌یافتنی‌تر می‌نماید (فولادی، ۱۳۸۲: ۹).

موضوعات مورد بحث در آسیب‌شناسی اجتماعی

آنچه روشن است اینکه بحث آسیب‌شناسی اجتماعی عمدتاً با مسائل و مشکلات سر و کار دارد. پژوهش‌ها و تحقیقات متعدد برای شناخت انواع این آسیب‌ها و علل بروز آنها صورت می‌دهد و نظریاتی را برای حل آن مسائل پیشنهاد می‌کند.

بر اساس این، زمینه‌هایی چون فرهنگ و هنجارهای یک جامعه، ویژگی‌های اقتصادی و سیاسی و جغرافیایی یک جامعه نیز، در حوزه مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی قرار می‌گیرد؛ زیرا بررسی آسیب‌های اجتماعی بدون در نظر گرفتن شرایط زمینه‌ای یک جامعه میسر نخواهد بود.

چه چیزی به عنوان آسیب شناخته می‌شود؟ حدود و ثغور آن چقدر است؟ عوامل زمینه‌ساز و علل آشکار کننده آن کدام‌ها هستند؟ در کدام طبقات گسترش بیشتری دارند؟ در کدام سنین گسترش بیشتری دارند؟ توانایی جامعه برای کنترل و نظارت بر آنها چقدر است؟ از چه راه‌هایی می‌توان به کاهش آنها مبادرت کرد؟ همه اینها سؤالاتی هستند که در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

گونه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی

در گونه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی، از ملاک‌های متفاوتی می‌توان استفاده کرد. این ملاک‌ها در هر جامعه‌ای حداقل چهار خرده نظام فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خاص دارند که در هر یک از این حوزه‌ها، کنشگران فردی و جمعی می‌توانند با رعایت اصول و قواعد عمل جمعی مورد قبول در آن حوزه‌ها به چهار نوع سرمایه یا منبع ارزشمند- سرمایه فرهنگی یا دانش، سرمایه اجتماعی یا تعهد منزلت، سرمایه سیاسی یا قدرت و سرمایه اقتصادی یا ثروت- مورد نیاز هر جامعه دست یابند. هر نوع فعالیتی که خارج از چارچوب اصول و قواعد عام عمل جمعی، برای رسیدن به منابع ارزشمند صورت گیرد، کجروی محسوب می‌شود. بنابراین، در مجموع با چهارگونه کجروی روبه‌رو هستیم. مسأله مربوط به آسیب‌های اجتماعی از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده‌است. هم‌زمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های ناشی از عدم امکان برآورده‌شدن خواست‌ها و نیازهای زندگی موجب

گسترش شدید و دامنه‌دار فساد، عصیان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی و انحراف جنسی و دیگر آسیب‌ها شده‌است (عبدی، ۱۳۷۱).

انواع آسیب‌های اجتماعی

هر چند اکثر مشکلات اجتماعی انواعی تکراری در طول نسل‌های مختلف هستند اما چنانکه مشاهده می‌شود، برخی از این انواع در برخی نسل‌ها، اهمیت بیشتری پیدا کرده‌است و حتی برخی انواع این آسیب‌ها، در نسل‌های بعدی زاده شده‌اند. از سوی دیگر، از آنجایی که یکسری علل غالب در هر جامعه وجود دارند که نسبت به سایر علل اهمیت بیشتری در بروز آسیب‌ها دارند، هر چند از انواع متمایز آسیب‌ها سخن می‌رود اما عمدتاً همپوشی‌هایی بین آنها دیده می‌شود.

وابستگی دارویی یا اعتیاد

اعتیاد به معنی تمایل به مصرف مستمر یا متناوب یک ماده، برای کسب لذت یا رفع احساس ناراحتی اطلاق می‌شود که قطع آن، ناراحتی‌های روانی یا اختلالات جسمانی ایجاد می‌کند. در گرایش به اعتیاد عوامل مختلفی شناسایی و مطرح شده‌اند. این عوامل هر چه باشند (که البته در مباحث مربوط به علت‌شناسی حائز اهمیت هستند) سرچشمه بسیاری مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی هستند. اعتیاد به سبب ویژگی‌های ذاتی خود، اغلب با سایر آسیب‌ها همراه می‌شود و موجب هدر رفتن نیروهای ثمربخش جامعه می‌شود (عبدی، ۱۳۷۱).

انحرافات جنسی

غریزه جنسی هم می‌تواند منشأ بروز عالیترین نمودارهای ذوقی و هنری باشد و هم منشأ تشکیل بنیاد یک خانواده و هم منشأ بسیاری از جرائم. عوامل مختلف محیطی و خانوادگی و اجتماعی سر منشأ بروز انواع انحرافات جنسی هستند. هر چند برخی از این نوع انحرافات مشکلاتی فردی هستند اما اکثر آنها، به آن دلیل که در ارتباط با فرد دیگر معنی پیدا می‌کنند، عوارض اجتماعی را در بر خواهند داشت. از سوی دیگر، مبارزه با این دسته از آسیب‌ها، در برخی موارد نیازمند تغییرات اساسی اجتماعی است و لازم است تحولاتی کلی و برنامه‌ریزی‌های دقیقی برای رفع آنها صورت گیرد و این تغییرات، با ارائه آموزش‌های وسیع اجتماعی برای افراد و خانواده‌ها و رفع عوامل بنیادی امکان‌پذیر

خواهد بود. این دسته از انحرافات نیز، اغلب با سایر آسیب‌ها در ارتباط نزدیک هستند و گاهی حتی موجب بروز مشکلات جدی می‌شوند. مثل بیماری ایدز که با انحرافات جنسی ارتباط نزدیک دارد (فولادی، ۱۳۸۲۹).

سرقت و دزدی

به طور کلی سرقت و دزدی هم از لحاظ عرفی و هم از لحاظ قانونی به عنوان یک آسیب جدی محسوب می‌شوند. هر چند عوامل متعددی در بروز این مشکل شناخته شده‌اند، مثل فقر و بیکاری، اعتیاد و شیوه‌های تربیتی، اما باید توجه داشت مبانی شخصیت اهمیت ویژه در ارتکاب دزدی دارند. این افراد، معمولاً از لحاظ رشد اخلاقی در سطح خیلی پایین و ضعیف هستند و به طور کلی، ثبات و استواری و قدرت تحلیل و تفکر درباره پیامدهای رفتار خود را به قدر کافی ندارند. در مباحث مربوط به علل دزدی، به علل تربیتی تأکید فراوان می‌شود. الگوهای رفتاری خود والدین، واکنش‌های آنها درباره دزدی‌های کوچک دوران کودکی، مسأله پول توجیبی و کمک به شناخت مسأله مالکیت در دوره کودکی، در ارتباط نزدیک با رفتارهای دزدی بزرگسالی و نوجوانی دارند (فولادی، ۱۳۸۲۹).

خودکشی

خودکشی هر چند در وهله اول یک مشکل فردی به شمار می‌رود اما از آنجایی که فرد در اجتماع زندگی می‌کند و تأثیرات متقابلی همواره بین آنها برقرار است، به عنوان یک معضل اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. آمار خودکشی معمولاً با سایر جرایم و آسیب‌ها ارتباط پیدا می‌کند، به طوری که در میان گروه‌های مبتلا به اعتیاد، خودکشی بیشتر دیده می‌شود. همچنین در آسیب‌های مربوط به انحرافات جسمانی به ویژه در میان قربانیان این انحراف، خودکشی پدیده شایعی است. در میان بیماران روانی به ویژه افسردگی‌های شدید نیز، اغلب خودکشی مسأله قابل توجهی است. در این راستا، توجه به گروه‌های سنی که در معرض خطر بیشتری هستند و خودکشی در میان آنها رواج بیشتری نسبت به سایر گروه‌های سنی دارد، مثل نوجوانان و جوانان اهمیت زیادی دارد (عبدی، ۱۳۷۱).

مهاجرت

مهاجرت علاوه بر مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که دارد، مستلزم تغییراتی خاص است که مطابقت و سازگاری با آنها اغلب مشکلاتی را برای فرد و جامعه ایجاد می‌کند. به عبارتی، علاوه بر اینکه مهاجرت در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مشکلاتی را ایجاد می‌کند، مثل مهاجرت روستاییان به شهرها که خالی شدن روستاها از سکنه، کاهش کشاورزی، افزایش مشاغل کاذب و ... را به دنبال دارد، موجب می‌شود تا فرد برای سازگاری با تغییرات حاصل، فشار زیادی را متحمل شود. شوک فرهنگی، یکی از عوارض حاصل از مهاجرت است که با اضطراب و افسردگی، احساس جدا شدن و مسخ واقعیت و مسخ شخصیت مشخص است. تحقیقات نشان می‌دهد شیوع مشکلات روحی و روانی بین مهاجرین به خصوص در بین مهاجرینی که شرایط مقصد بسیار متفاوت از شرایط مبدأ یا محل سکونت قبلی آنها بوده است، شیوع بیشتری دارد. رایجترین اختلال، علائم پارانوئید یا سوءظن است که به احتمال قوی به دلیل تفاوت‌های آنان از نظر زبان، عادات و آداب و رسوم، چهره، نوع لباس و غیره است.

بی خانمانی

منابع فزاینده‌ای وجود مسائل ویژه‌ای را در افراد بی‌خانمان تأیید می‌کنند. چنین کسانی ممکن است در خیابان‌ها سرگردان باشند یا به علل برخی بزهکاری‌های دیگر که معمولاً توأم با بی‌خانمانی آنهاست مثل دزدی، اعتیاد و... در زندانها یا کانونهای اصلاح و تربیت بسر برند. در بین افراد بی‌خانمان دسته‌های مختلفی از افراد دیده می‌شود، یک دسته شامل بیماران روانی شدید هستند که اغلب یا مدتهاست از خانواده خود دورند یا به طور موقتی از خانه خارج شده‌اند. معتادین گروه دیگری از این افراد را شامل می‌شوند که معمولاً مراحل عمیق اعتیاد خود را می‌گذرانند. کودکان خیابانی و دختران و زنانی که با بی‌خانمانی به انحرافات جنسی نیز مبتلا هستند، دو دسته دیگر را در بین افراد بی‌خانمان تشکیل می‌دهند. بسته به مکان جغرافیایی، محله فقیرنشین شهر، پارک شهر، حومه شهر و نواحی روستایی، خصوصیات این جمعیت فرق می‌کند. برخی در محدوده جغرافیایی نسبتاً ثابتی می‌مانند، در حالی که عده‌ای از یک قسمت کشور به بخش‌های دیگر یا از منطقه شهر به مناطق دیگر مسافرت می‌کنند.

فقر

فقر در واقع مادر تمام آسیب‌های اجتماعی است. فقر با بسیاری مسائل زیر پا از جمله ضعف تندرستی و افزایش مرگ و میر، بیماری روانی، شکست تحصیلی، جرم و مصرف دارو رابطه دارد. هر چند خود فقر به طور ذاتی یک مشکل و آسیب است، اما این لزوماً به این معناست که تمام افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، افرادی نابسامان و مشکل‌ساز برای اجتماع هستند. مشکلات اقتصادی، عدم تأمین نیازهای جسمی و روانی اغلب زمینه‌ای برای بروز و ظهور مشکلات اجتماعی دیگری است.

بیکاری

بیکاری معضل اجتماعی دیگری است که هم آسیب‌های جدی فردی و هم آسیب‌های قابل ملاحظه اجتماعی را در دامن دارد. بیکاری به ویژه در نسل پرنرژی و جوان که انرژی و قدرت و نیروهای آنها را کد و بی‌مصرف باقی می‌ماند، نمود بیشتری پیدا می‌کند و زمینه را برای انواع انحرافات اجتماعی فراهم می‌سازد. وجود فرصت‌های همیشه خالی، عدم تحمل بیکاری، فقدان قدرت تأمین نیازها به دلیل نداشتن درآمد، زمینه‌هایی آماده برای کاشت بذر جرم و انحرافات می‌باشند.

نتیجه‌گیری

در پایان نتیجه می‌گیریم که در پیدایش انحرافات اجتماعی و رفتارهای نابهنجار و آسیب‌زا عوامل متعددی می‌تواند مؤثر باشد:

۱) عوامل فردی: جنس، سن، وضعیت ظاهری و قیافه، ضعف و قدرت، بیماری، عامل ژنتیک و....

۲) عوامل روانی: حساسیت، نفرت، ترس و وحشت، اضطراب، کم‌هوشی، خیال‌پردازی، قدرت‌طلبی، کم‌رویی، پرخاشگری، حسادت، بیماری‌های روانی و....

۳) عوامل محیطی: اوضاع و شرایط اقلیمی، شهر و روستا، کوچه و خیابان، گرما و سرما و....

۴) عوامل اجتماعی: خانواده، طلاق، فقر، فرهنگ، اقتصاد، بیکاری، شغل، رسانه‌ها، مهاجرت، جمعیت و

از آنجا که ممکن است در پیدایش هر رفتاری، عوامل فوق و یا حتی عوامل دیگری نیز مؤثر باشد، از این رو، نمی‌توان به یک باره فرد بزهکار را به عنوان علت‌العلل در جامعه مقصر شناخت و سایر عوامل را نادیده گرفت.

اگر فرد، هر چند برای سرگرمی و تنوع و تفریح دست به بزهکاری بزند، این کار وی کم‌کم زمینه‌ای خواهد بود تا به سمت و سوی بزهکاری سوق یابد. دلیل عمده این کار، چگونگی شروع به انجام عمل بزهکارانه و کشیده شدن فرد به این راه است. افراد بزهکار، افرادی هستند که همه زمینه‌ها و شرایط لازم برای انحراف در آنان وجود دارد. مهمترین عامل در انحراف افراد و ارتکاب عمل ناپه‌نجان، فردی است که موجب سوق یافتن وی به سمت بزهکاری می‌شود؛ زیرا فردی که می‌خواهد اولین بار دست به بزهکاری بزند، نیازمند فردی است که او را راهنمایی کرده و به این سمت هدایت نماید.

پیشنهادهای

الف) پیشنهاد

در اینجا برای پیشگیری از ارتکاب عمل بزهکارانه به وسیله افراد به ویژه نوجوانان یا جوانان پیشنهادهای ارائه می‌شود:

۱. هماهنگ کردن بخش‌های عمومی و خصوصی که در زمینه پیشگیری از وقوع جرم فعالیت دارند؛ مانند نیروی انتظامی، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش، شهرداری‌ها، شوراها، امور جوانان، بهزیستی و... به منظور اجرای برنامه عملی پیشگیرانه و هماهنگی بیشتر؛

۲. آگاهی دادن به خانواده‌ها برای نظارت و کنترل بیشتر آنان بر فرزندان و گوشزد کردن میزان مجازات جرایم در صورت ارتکاب جرم توسط آنان؛

۳. اتخاذ تدابیر امنیتی بیشتر به وسیله دولت در محل‌های جرم‌خیز و اقداماتی به منظور کمک به خانواده‌ها، به ویژه نوجوانان و جوانانی که در معرض آسیب قرار دارند؛

۴. اطلاع‌رسانی شفاف رسانه‌های جمعی برای تشویق جوانان درباره تسهیلات و فرصتهایی که جامعه برای آنان قرار داده‌است.

ب. راهکارهای شناسایی مشکلات نوجوان و جوانان

علاوه بر اقدامات پیشگیرانه، شناسایی راهکارهایی برای شناخت مشکلات نوجوانان و جوانان امری لازم و ضروری است. مواردی چند در این زمینه مطرح است:

۱. شناخت نیازهای روانی و کیفیت ارضای این نیازها در شادابی و نشاط فرد بسیار مؤثر است و ارضا نشدن آن و یا ارضای ناقص آن، اثرات نامطلوب بر جای گذاشته و زندگی را به کام فرد تلخ می‌کند و فرد را به انحراف می‌کشاند؛
۲. توجه به مشکلات جسمانی فرد، مشکلاتی همچون اختلال در گویایی، بینایی، شنوایی، جسمانی و عقب‌ماندگی ذهنی؛
۳. توجه به مشکلات آموزشی، مانند ناتوانی در یادگیری، ترک تحصیل، افت تحصیلی، بی‌توجهی به تکالیف درسی و تقلب در درس؛
۴. توجه به مشکلات عاطفی، روانی همچون افسردگی، خیال‌بافی، بدبینی، خودکم‌بینی، خودبزرگ‌بینی، زودرنجی، خودنمایی، ترس، اضطراب، پرخاشگری، حسادت، کم‌حرفی و وسواس؛
۵. توجه به مشکلات اخلاقی، رفتاری همچون تماس تلفنی و نامه‌نگاری با جنس مخالف، معاشرت با جنس مخالف، شرکت در مجالس، خودارضایی، چشم-چرانی، فرار از منزل، غیبت از مدرسه، اقدام به خودکشی، سرقت، دروغ‌گویی، اعتیاد، ولگردی و...

ج. وظایف خانواده

- خانواده‌ها نیز وظایفی در مقابل پیشگیری از جرم و بزهکاری فرزندان دارند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:
۱. دوستی با فرزند و حذف فاصله والدین با فرزندان، به گونه‌ای که آنان به راحتی مشکلات و نیازهای خود را به والدین بگویند؛
 ۲. تقویت اعتقادات فرزند، به ویژه در کودکی و نوجوانی، در کنار پای‌بندی عملی والدین به آموزه‌های دینی؛
 ۳. ایجاد سازگاری در محیط خانه؛
 ۴. ایجاد بستر مناسب برای احساس امنیت، آرامش، صفا و صمیمیت و درک متقابل والدین و فرزندان؛
 ۵. تلاش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان به وسیله والدین؛
 ۶. توجه به نیازهای روحی و عاطفی اطفال و نوجوانان و ایجاد فضای مطلوب و آرام در خانواده؛
 ۷. مراقبت والدین نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود؛

۸. برنامه‌ریزی مناسب برای تنظیم اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛
۹. نظارت جدی والدین نسبت به دوست‌یابی فرزندان.

د. وظایف سایر نهادها

علاوه بر خانواده، سایر نهادها از جمله مجموعه حاکمیت، آموزش و پرورش، نهاد قضایی، بهزیستی و... نیز در این زمینه وظایفی دارند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

۱. تقویت ارتباط میان والدین دانش‌آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی؛
۲. تقویت مراکز مشاوره‌ای مفید و کارآمد در مدارس؛
۳. بها دادن به مسأله ترک تحصیل و یا اخراج دانش‌آموزان از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده‌های آنان؛
۴. ضرورت آشنایی نیروهای نظامی و انتظامی با انحرافات اجتماعی و نحوه برخورد با آنان؛
۵. اعمال مجازات سنگین، علنی و جدی (در ملاء عام) برای باندهای فساد، اغفال و...؛
۶. تقویت نظارت‌های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت‌های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر، برای پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادی‌های اجتماعی؛
۷. برنامه‌ریزی اصولی و صحیح برای اشتغال در جامعه، رفع بی‌عدالتی و پیگیری منطقی نیازهای جوانان، تأمین امنیت و نیاز شهروندان؛
۸. جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرهای بزرگ و جلوگیری از پرداختن جوانان به شغل‌های کاذب مثل کوپن‌فروشی، سیگارفروشی، نوارفروشی و...؛
۹. ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی، مشاوره‌ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛
۱۰. ایجاد تسهیلات لازم برای جوانان و نوجوانان از قبیل وام ازدواج، وام مسکن، وام اشتغال، و...؛
۱۱. ایجاد بستر مناسب برای ایجاد بیمه همگانی، بیمه بی‌کاری، و برخورداری نوجوانان و جوانان از تسهیلات اجتماعی و...؛

۱۲. فراهم کردن موقعیت‌ها و بسترهای لازم در جامعه، تا زندانیان پس از آزادی از زندان مورد پذیرش جامعه واقع شوند و شغل آبرومندانه‌ای به دست آورند، در غیر این صورت، مجدداً دست به اقدامات بزهکارانه خواهند زد؛

۱۳. از آن رو که از جمله عوامل مؤثر در ارتکاب جرم، بی‌کاری و فقر است، باید با برنامه‌ریزی دقیق که نیاز به عزم ملی دارد، نسبت به اشتغال در جامعه و ریشه‌کنی فقر و بی‌کاری اقدام لازم و بایسته صورت گیرد.

منابع

- ۱- ستوده، هدایت الله، (۱۳۷۹) آسیب شناسی اجتماعی، تهران: نشر آوای نور.
- ۲- فولادی، محمد، (۱۳۸۲)، بررسی میزان و عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر قم، قم: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۳- عبدی، عباس، (۱۳۷۱)، آسیب‌شناسی اجتماعی، قم: سپهر.
- ۴- سخاوت، جعفر، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۵- یان، رابرتسون، (۱۳۷۲)، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.